

# ۳- بهای صلح

نویسنده: مایکل اولیسا

بر این فرض مبتنی است که مبارزه و دسته‌بندی ایدئولوژیکی، با پیشرفتهای حاصله در علم و تکنولوژی تسلیحاتی، تقویت و تشدید خواهد شد. در چنین اوضاع و احوالی، تلاش در راه خلع سلاح یا مشکلات و ناکامیهای فزاینده‌ای روبرو خواهد شد.

این استدلالها اشاره آشکاری است به این امر که مفهوم دنیای آرمانی عبث و دسترسی ناپذیر است. در عین حال مبین لزوم انجام تحقیق دسته‌جمعی جامعه جهانی در زمینه عملیترین راه‌حلها برای ابقی‌مانده این قرن و قرن بعد است.

در این زمینه، نگاهی به برخی از راه‌حلها که در نظام سازمان ملل متحد پیشنهاد شده است آموزنده خواهد بود. در گزارشی که دیرکل در سال ۱۹۸۴ به مجمع عمومی داد سه سناریو مربوط به چشم‌انداز صلح در سال ۲۰۰۰ را توصیف کرد. گرچه این سناریوها بر جنبه‌های اقتصادی مسابقه تسلیحاتی و خلع سلاح مبتنی است، با مسئله اساسی صلح جهانی برای امروز و فردا رابطه مستقیم دارد.

سناریوی اول مبتنی بر حفظ وضع موجود بر این فرض قرار دارد که سهم هزینه‌های نظامی از تولید ناخالص ملی و توزیع جغرافیایی صنایع نظامی تقریباً در دوره ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۰ یکسان خواهد بود.

سناریوی دوم متضمن تشدید مسابقه تسلیحاتی و بر این فرض استوار است که سهم هزینه‌های نظامی از تولید ناخالص ملی در سال ۲۰۰۰ دو برابر این سهم در سال ۱۹۷۰ خواهد بود.

سومین سناریو که مبتنی بر خلع سلاح است بر این فرض قرار دارد که هزینه‌های نظامی ایالات متحده و اتحاد شوروی از ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۰ به میزان یک‌سوم و از ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰ به میزان یک‌سوم دیگر کاهش خواهد یافت و مناطق نسبتاً ثروتمند دنیا نیز قسمتی از پس‌انداز فرضی خود را که مولود خلع سلاح است به فقیرترین مناطق منتقل خواهند کرد.

مسئله‌ای مهم که در این سناریوها پیش کشیده شده

در باره صلح دو رهیافت متضاد وجود دارد. یکی مبنی بر وجود دنیایی آرمانی است. دیگری به واقعیت‌گرایی بیشتری دارد. در دنیای آرمانی پایان دادن فوری به مسابقه تسلیحاتی و برخورد ایدئولوژیکی ممکن است. پذیرش تمام عیار شرایط لازم برای خلع سلاح به دنیایی فارغ از جنگ می‌انجامد که در آن منابع همه‌ملتها به تهیه و توزیع محصولات غیر نظامی تخصیص داده می‌شود. سلاحهای اتمی جملگی از بین خواهد رفت و تولید آن ممنوع خواهد شد؛ کاربرد سلاحهای غیر هسته‌ای محدود یا ممنوع خواهد شد؛ تعارض شمال و جنوب کاملاً از میان برداشته خواهد شد و کشورهای پیشرفته صنعتی در سطحی وسیع به کشورهای روبه‌توسعه از نظر اقتصادی کمک خواهند کرد.

رهیافت واقعیت‌گرا متفاوت و کمتر خوشبینانه است و



«هزینه جنگ تخصیص مداوم منابع بسیار برای تولید تسلیحات و همچنین بروز محتمل جنگها و در نتیجه نیاز به ادامه تولید برای جایگزینی تسلیحات مصرف شده است.» سمت راست، مریخ در خواب اثر نقاش هلندی هندریک تسرپرگن (۱۶۲۹ - ۱۶۵۸) است. مریخ (مارس) در اساطیر روم قدیم خدای جنگ است.



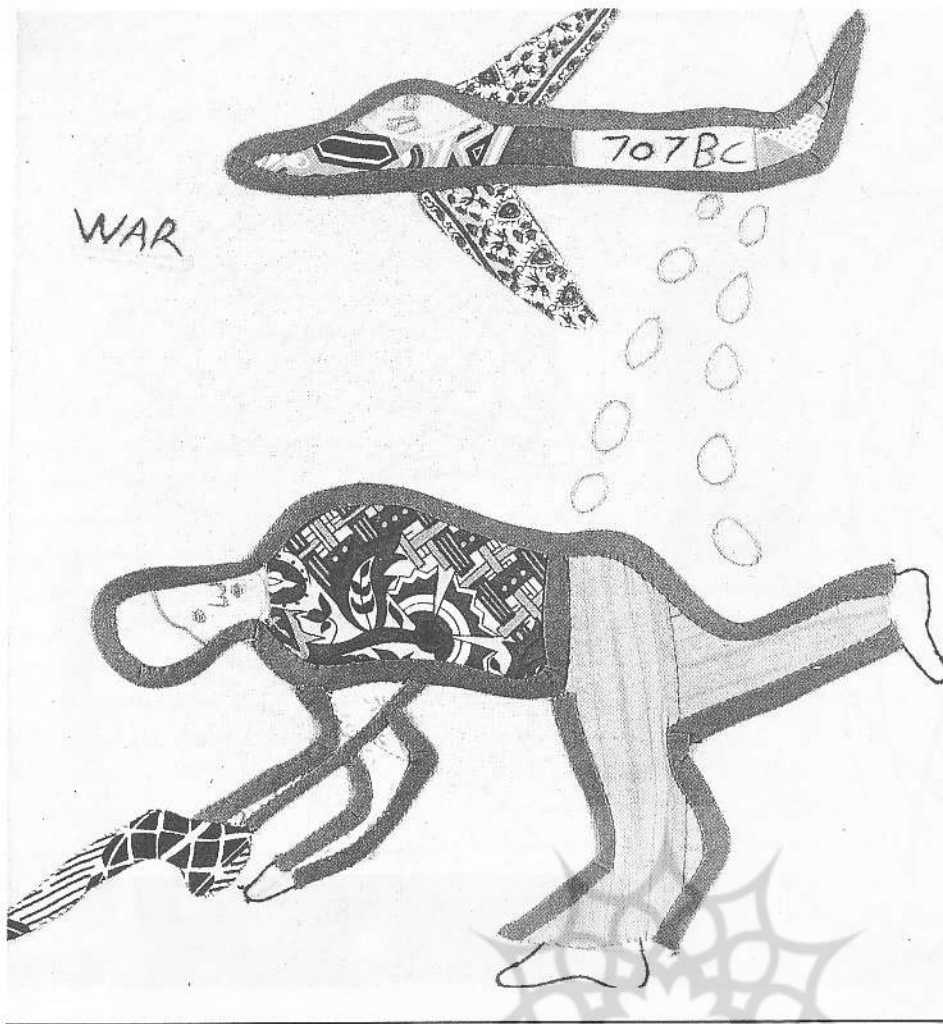
«بهای صلح... با چالشهای بسیاری روبرو خواهد شد که مولود نیاز به تبدیل منابع به مصارف غیرنظامی، به کارگیری مجدد نیروی کار انبوهی که در صنایع نظامی و وابسته به آن اشتغال دارند... و تخصیص بعضی از منابع آزاد شده از تولید سلاح به کشورهای فقیر دنیاست.» عکس سمت چپ، تصویری است که بانویی کنیایی از تکه‌های پارچه به رنگها و بافتهای مختلف به وجود آورده است.

است بهای صلح در مقابل هزینه جنگ است. هزینه جنگ تخصیص مداوم منابع بسیار برای تولید تسلیحات و همچنین بروز متحمل جنگها و در نتیجه نیاز به ادامه تولید برای جایگزینی تسلیحات مصرف شده است. بهای صلح متضمن معکوس کردن این گرایشهاست، یعنی فرآیندی که با چالشهای گوناگون روبرو خواهد شد. این چالشها مولود نیاز به تبدیل منابع به مصارف غیرنظامی، به کارگیری مجدد نیروی کار انبوهی که در صنایع نظامی و وابسته به آن اشتغال دارند، تبدیل کارخانه‌ها، خصومت گروه‌های ذی‌نفعی که از درآمدهای کلان محروم شده‌اند، و تخصیص بعضی از منابع آزاد شده از تولید سلاح به کشورهای فقیر دنیاست.

وجود دیدگاه‌های مثبت و خوش‌بینانه نسبت به این مسائل، به ویژه در محافل غیردولتی، مبنی بر اینکه بهای صلح چندان گران و غیرقابل تحمل نخواهد بود حائز اهمیت و نیز بسیار امیدوارکننده است. این شاخصهای مثبت در ضمن حاکی از آن است که عوامل عینی و مادی برنامه صلح - یعنی تغییر موضع، تبدیل و تخصیص مجدد منابعی که تاکنون صرف جنگ می‌شده است - مشکلات اصلی در راه نیل به صلح نیست، بلکه مشکلات اصلی عبارت از عوامل ذهنی و روان‌شناختی منبث از مسائل اقتصادی و سیاسی معاصر است. به عبارت دیگر، عامل انسانی جدیترین تهدید نسبت به صلح جهانی است.

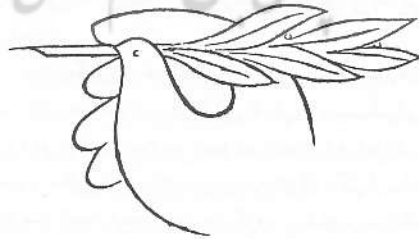
ولی تعداد رهبران جهانی و دولتهایی که علناً بیاناتی مبنی بر تمایل به صلح و ابراز نگرانی در این مورد ایراد کرده‌اند کم نیست. متأسفانه به علت ترس ملتها نسبت به خلع سلاح یکجانبه، مذاکرات صلح مرتب با شکست مواجه می‌شود. مطمئن نیستند که رقیبان به آنها تاسی کنند؛ می‌ترسند که حریفان ضربه اول را وارد کنند؛ به نحوی جنون‌آمیز به تولید سلاح ادامه می‌دهند زیرا حدس می‌زنند که طرف دیگر از آنها پیشی گرفته است. این «توازن سوئظن» به ادامه فعالیت‌هایی منجر شده که مشوق جنگ و تهدیدی برای صلح است.

مایکل اولیسا، اهل نیجریه متخصص علوم سیاسی، استاد دانشگاه نیجریه در نسوکا و مدیر انستیتوی نیجریه‌ای مطالعه درباره صلح است. ثبات و فرهنگ سیاسی نزد اسیب‌های سنتی (۱۹۷۱) و مسائل وحدت و هویت ملی در نیجریه (۱۹۷۱) از جمله آثار منتشر شده او است.



## ۴- صلح در چارچوب منطقه‌ای

نوشته: احمد صدقی الدجانی



یافته است. وضع دنیا را می‌توان به یک کشتی تشبیه کرد که پر از آدم است. آنهایی که در ته کشتی قرار دارند تصمیم گرفته‌اند که سوارخی در کشتی باز کنند و خود را آزاد کنند. اگر دیگران به ایشان وقعی نگذارند همگی نابود خواهند شد، حال آنکه اگر به ایشان کمک کنند همگان نجات خواهند یافت. این تمثیل، که روشن‌کننده معنای مسئولیت است، از پیامبر اسلام است.

ثبات صلح جهانی در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی از فلسفه‌های غالب بر زمان ما تأثیر می‌پذیرد. در حال حاضر شاهد تجدید حیات فکر فلسفی و علاقه به

امروزه مردم کم‌کم به وضوح بیشتری درمی‌یابند که ثبات در روابط بین کشورها از وضع موجود در هر کشوری تأثیر می‌پذیرد. ثبات ساختاری بنیانی در کشورهای فقیر جهان بر ثبات روابط بین کشورهای غنی جهان تأثیر می‌گذارد. کشورهایی که غنی و از امنیت برخوردارند باید متوجه باشند که اگر دیدگان خود را بر بالای فقری که در سراسر نیمه جنوبی کره زمین مسئولی است ببینند، ثروت و امنیت آنها ادامه نخواهد یافت. چه در مورد تک تک کشورها و چه در سطح مجموعه آنها واژه «استقلال» علاوه بر آزادی مفهوم مسئولیت نیز